

نقد و بررسی قره‌باغ نامه‌ها

○ قره‌باغ نامه‌ها (میرزا آدی گوزل بیگ، قره‌باغ
نامه؛ میرزا جمال جوانشیر قره‌باغی، تاریخ قره‌باغ؛
احمد بیگ جوانشیر، اوضاع سیاسی خوانین نشین
قره‌باغ در سال‌های ۱۸۰۵-۱۷۴۷ م)
○ ناشر: یازپچی، باکو، ۱۹۸۹ م.

○ الخان رضا اوغلو قلی اف



قرار است:

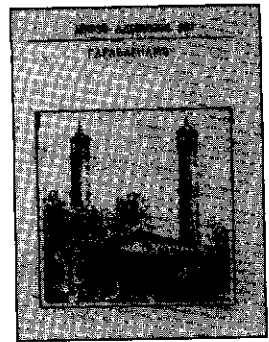
۱. قره‌باغ نامه، تألیف میرزا آدی گوزل بیگ؛
 ۲. تاریخ قره‌باغ، تألیف میرزا جمال جوانشیر قره‌باغی؛
 ۳. اوضاع سیاسی خوانین نشین قره‌باغ در سال‌های ۱۸۰۵-۱۷۴۷ م. تألیف احمد بیگ جوانشیر.
- کتاب قره‌باغ نامه میرزا آدی گوزل بیگ به صورت جداگانه و برای نخستین بار در سال ۱۹۵۰ م، تاریخ قره‌باغ میرزا جمال جوانشیر در سال ۱۹۵۹ م و اوضاع سیاسی خوانین نشین قره‌باغ در سال‌های ۱۸۰۵-۱۷۴۷ م احمد بیگ جوانشیر در سال ۱۹۶۱ م منتشر شده و به زودی تبدیل به کتاب‌های نایاب شدند.^۲

سه منبع فوق‌الذکر به زبان‌های مختلف نگاشته شده‌اند چنانکه میرزا آدی گوزل بیگ، اثر خود را به زبان ترکی آذربایجانی، میرزا جوانشیر قره‌باغی به زبان فارسی و احمد بیگ جوانشیر به زبان روسی نوشته است. نسخه‌های خطی هر سه منبع نیز در انستیتوی نسخ خطی آکادمی علوم

در حال حاضر در «انستیتوی نسخ خطی آکادمی علوم جمهوری آذربایجان» ده‌ها اثر و منبع تاریخی مربوط به دوره‌های مختلف تاریخ قره‌باغ، بایگانی و نگهداری می‌شود. ولی متأسفانه قسمت عمده این منابع ارزشمند تاکنون به صورت مطلوب بررسی و منتشر نشده‌اند تا با استفاده از آنها ابهامات تاریخی دوره‌های مختلف بر دوست‌داران علم و معرفت روشن گردد.

یکی از کارهایی که انستیتوی نسخ خطی آکادمی علوم جمهوری آذربایجان تاکنون موفق به انجام آن شده انتشار کتاب ارزشمند تاریخی قره‌باغ نامه‌ها است. منبع مذکور در دو کتاب مجزا در سال ۱۹۸۹ میلادی توسط انتشارات «یازپچی» باکو منتشر شده است.^۱

کتاب اول قره‌باغ نامه‌ها شامل سه منبع تاریخی جداگانه است که تاریخ قرن هجدهم و نوزدهم میلادی قره‌باغ را دربر می‌گیرد. عناوین کتاب‌های منتشر شده در جلد اول از این



«قره‌باغ‌نامه»
تألیف «میرزا آدی گوزل بیگ»

«قره‌باغ نامه‌ها»
شامل سه منبع تاریخی
جداگانه است که
تاریخ قرن هجدهم و
نوزدهم میلادی
قره‌باغ را
در برمی‌گیرد.
عناوین کتابهای
منتشر شده در
جلد اول
از این قرار است:
۱- قره‌باغ نامه،
تألیف میرزا آدی گوزل بیگ
۲- تاریخ قره‌باغ،
تألیف میرزا جمال
جوانشیر قره‌باغ
۳- اوضاع سیاسی
خوانین نشین قره‌باغ
در سال‌های
۱۸۰۵-۱۷۴۷ م.
تألیف احمد بیگ
جوانشیر

جمهوری آذربایجان نگهداری می‌شوند. در این مرکز پژوهشی، پنج نسخه خطی از کتاب قره‌باغ نامه آدی گوزل بیگ موجود است که در سال‌های ۱۹۱۴-۱۸۶۲ م از روی اصل متن نسخه برداری شده‌اند. همچنین نسخه خطی کتاب «تاریخ قره‌باغ» تألیف میرزا جمال که در سال ۱۸۷۷ م. توسط کاتبی نسخه برداری شده است نیز در همین مرکز پژوهشی نگهداری می‌شود. مؤلفان در این سه منبع تاریخی، عمدتاً به تشریح جغرافیای تاریخی قره‌باغ، مردم‌شناسی و حوادث مربوط به اوضاع سیاسی قره‌باغ و اطراف آن پرداخته‌اند. همچنین، اطلاعات مربوط به بناها و اماکنی که توسط خوانین قره‌باغ ساخته شده نیز یافت می‌شود.

در این مقاله ضمن معرفی مؤلفان، اطلاعاتی درباره محتویات و مضمون این منابع نیز در اختیار خوانندگان گرامی گذاشته خواهد شد.

الف: میرزا آدی گوزل بیگ و کتاب قره‌باغ نامه:

میرزا آدی گوزل بیگ، مؤلف کتاب قره‌باغ نامه در اثر خویش اطلاعات بسیار اندکی راجع به زندگانی خود در اختیار خوانندگان قرار داده است. بنابراین ضروری می‌نماید که این اطلاعات اندک را با اخبار دیگری که درباره زندگانی او گزارش شده است تکمیل نمائیم.

میرزا آدی گوزل بیگ در صفحات آخر نسخه خطی قره‌باغ نامه راجع به زندگانی خود سخن گفته و محل تولد خود را قره‌باغ دانسته، ولی متأسفانه به تاریخ تولدش اشاره نکرده است. با این حال میرزا آدی گوزل بیگ در این بخش از کتاب خود به مطالب دیگری نیز اشاره نموده که به ما امکان می‌دهد تا با استفاده از این اطلاعات، تاریخ تولد او را تعیین کنیم. از جمله مؤلف چنین می‌نویسد: «زمانی که در یکی از مدارس شوشی مشغول تحصیل بودم، آقامحمدخان قاجار همراه با قشون خود وارد قره‌باغ شده، قلعه شوشی را محاصره نمود. ولی چون به موفقیتی دست نیافت، راهسپار گرجستان شده و شهر تفلیس را ضبط کرد.»

چنانکه می‌دانیم حوادث یاد شده یعنی محاصره قلعه شوشی در تابستان سال ۱۷۹۵ م و ضبط شهر تفلیس در ۱۲ سپتامبر همان سال به وقوع پیوسته است. بدین ترتیب می‌توان به آسانی حدس زد که تاریخ تولد میرزا آدی گوزل بیگ اوایل سال هشتاد قرن هجدهم بوده است. چرا که از گزارش‌های دیگر نیز چنین برمی‌آید که وی در اواخر سال ۱۷۹۹ و اوایل سال ۱۸۰۰ میلادی در تفلیس خدمتگزار وزیر روسیه بوده و گمان می‌رود که وی در آن سال‌ها هجده و یا بیست ساله بوده است.

با استناد به ملاحظات یاد شده می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که میرزا آدی گوزل بیگ در اواخر سال هفتاد و یا اوایل سال هشتاد قرن هجدهم میلادی به دنیا آمده است.

چنانکه می‌دانیم در اواخر قرن هجدهم مناسبات حکومت روسیه تزاری با مردم مسلمان قفقاز تغییر یافت. حکومت یکاترین (Yekatrین) دوم دخالت بیشتری در امور داخلی خوانین نشین قفقاز از خود نشان می‌داد و سرانجام در اواخر نیمه اول دهه هشتاد قرن هجدهم به قصد ملحق کردن

خان نشین‌های ماوراء ارس به امپراتوری روسیه سیاست تحت‌الحمایه گرفتن خان نشین‌ها را در پیش گرفت.

فتحعلی خان - خان قو به - ضرورت برقراری روابط با دولت مقتدر همسایه شمالی خود را احساس نمود و با در نظر گرفتن مقتضیات زمان، کم‌کم متمایل به سیاست متکی بر امپراتوری روسیه شد. تعداد قابل ملاحظه‌ای از صنعتگران و تجار شماخی^۱ باکو و دربند که در آن زمان روابط اقتصادی خوبی با هشترخان^۲ و دیگر ایالات روسیه برقرار کرده بودند، به خاطر اتخاذ چنین سیاستی به فتحعلی خان رغبت ورزیدند.

میرزا آدی گوزل بیگ درباره شرح حال خود چنین می‌نویسد: زمانی که خبر نزدیک شدن نیروهای آقامحمدخان به قره‌باغ پراکنده شد پدرش همراه با خانواده و کوچ‌نشینان سواحل رود ارس، قره‌باغ را ترک کرده و به گرجستان فرار کردند. خانواده میرزا آدی گوزل بیگ همانند تمام ساکنین قره‌باغ که از ترس و وحشت مجبور به ترک زادگاه‌شان شده بودند در این مسیر رنج‌های بسیار زیادی را متحمل شدند.

همچنانکه می‌دانیم آقا محمدخان احتمال می‌داد که نیروهای روسی به کمک گرجستان خواهند آمد لذا فقط هشت روز، در تفلیس توقف نموده، سپس از راه گنجه به صحرای مغان رفت.

میرزا آدی گوزل بیگ در تابستان سال ۱۷۹۶ م ساکن گرجستان بود. در اوایل فصل بهار سال ۱۷۹۶ م آقا محمدخان رهسپار استرآباد و خراسان شد.

در تابستان سال ۱۷۹۶ م، نیروهای حکومت روسیه به دستور یکاترین (Yekatrین) دوم وارد قفقاز شده و شهرهایی چون قوبه، شماخی، باکو و گنجه را تسخیر نمودند. ولی پس از مرگ یکاترین (Yekatrین) دوم، یعنی در اواخر پاییز سال ۱۷۹۶ م. به فرمان پاول (Pavel) اول از این سرزمین‌ها عقب‌نشینی کرده و در بهار سال ۱۷۹۷ م آن جا را به طور کامل تخلیه نمودند.

در پاییز سال ۱۷۹۷ م. آقا محمدخان قاجار، بار دیگر وارد قره‌باغ شد. قحطی و شیوع امراضی چون طاعون که در نتیجه حمله او در ۱۷۹۵ م. به این سرزمین به وجود آمده بود، همچنان ادامه داشت. ابراهیم خان به خاطر نداشتن امکانات جنگی، قلعه شوشی^۳ را ترک و به ولایات روسیه تزاری عقب‌نشینی نمود.

آقا محمدخان بدون اینکه با مقاومتی روبه‌رو شود، وارد قلعه شد و کسانی را که در جنگ ۱۷۹۵ م به دفاع از قلعه شوشی برخاسته و به نوعی متمایل به روسیه بودند تعقیب و اعدام نمود.

در طول این مدت، خانواده آدی گوزل بیگ همراه با کوچ‌نشینان تابع، همچنان در گرجستان به سر می‌بردند. بی‌شک آدی گوزل بیگ از کلیه این حوادث باخبر بوده و از نزدیک در جریان موقوف قرار داشته است و مسلماً نمی‌توانسته نسبت به این رخدادها بی‌تفاوت باشد. به گونه‌ای که تمام مصایبی که در زادگاهش اتفاق می‌افتاد، بر شخصیت او تأثیر می‌گذاشت.

میرزا آدی گوزل بیگ در قره‌باغ نامه چنین می‌نویسد: پس از تصرف گرجستان به وسیله روسیه کوالنسکی (Kovalenski) - وزیر مختار روسیه - به خاطر عدم اعتماد

به کاتبان دیپلماتیک گرگین (Giorgi) دوازدهم، در پی یافتن شخصی آشنا به زبان عثمانی بود. کسانی برای انجام این کار، آدی گوزل بیگ را پیشنهاد کردند و کوالنسکی (Kovalenski) هم، این پیشنهاد را پذیرفت و بدین ترتیب مطالعه و بررسی نامه‌های محرمانه به او سپرده شد.

میرزا آدی گوزل بیگ به شکلی مخفیانه نزد کوالنسکی (Kovalenski) کار می‌کرد و در مقابل، مزد می‌گرفت. این دوره از زندگانی میرزا آدی گوزل بیگ از اهمیت به سزایی برخوردار است. چون وی تا آن زمان شاهد عینی کلیه حوادث تاریخی زادگاه خود بود و تحت تأثیر آن مشاهدات، گرایشات سیاسی خود را مشخص نموده بود. کارگزاری میرزا آدی گوزل بیگ در نزد کوالنسکی (Kovalenski) موجب نزدیکی بیش از پیش وی به این سیاست گردید.

میرزا آدی گوزل بیگ آینده خود و زادگاهش را در دامان دیوانخانه و نیروهای امپراتوری روسیه در ماوراء قفقاز می‌دید. به طوری که در سال ۱۸۰۰ م میرزا آدی، به عنوان یکی از طرفداران روسیه شناخته شده بود و به همین خاطر کوالنسکی (Kovalenski) کارهای مربوط به نامه‌های محرمانه دیپلماتیک را به او سپرده بود.

نکته‌ای که باید توجه خوانندگان را بدان جلب نمود، این است که: میرزا آدی گوزل بیگ برای اینکه بتواند نزد وزیر روسیه خدمت کند، ناگزیر به تسلط و آشنایی با زبان روسی بود. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که وی کجا و چه زمانی با زبان روسی آشنا شده است؟

احتمالاً زمانی که وی در تقلیس زندگی می‌کرده، با زبان روسی آشنا شده است. (۱۸۰۰ - ۱۷۹۹). چرا که نیروهای نظامی روسیه از پاییز سال ۱۷۹۵ م پادگان‌های خود را در آنجا مستقر کرده بودند.

متأسفانه اطلاعاتی در رابطه با اینکه آیا میرزا آدی گوزل بیگ پس از مرگ گرگین (Giorgi) دوازدهم، باز هم در نزد کوالنسکی خدمت کرده یا نه، به دست ما نرسیده است. ولی چنین به نظر می‌رسد که وی کار خود را همچنان ادامه داد؛ چون پس از مرگ گرگین دوازدهم، کوالنسکی هم‌چنان مسؤولیت حکمفرمایی گرجستان را به عهده داشته و برای انجام وظیفه و پیشبرد کارهایش نیازمند استخدام شخصیت‌هایی هم‌چون میرزا آدی گوزل بیگ که آشنایی کامل با زبان‌های شرقی داشته‌اند، بوده است. ولی فقط تا سال ۱۸۰۳ م می‌توانسته در این سمت خدمت کرده باشد، یعنی تا زمانی که هنوز کوالنسکی (Kovalenski) مسؤولیت خود را به کنیز سیسیانوف (Knyoz Sisyanov) واگذار نکرده بود.^۱

اینکه آیا میرزا آدی گوزل بیگ نزد سیسیانوف (Sisyanov) جانشین گرجستان و فرمانده کل نیروهای قفقاز - نیز خدمت کرده یا نه، از جمله سؤالاتی است که تاکنون بدون پاسخ مانده است. تنها چیزی که مؤلف در این رابطه در شرح حال خود نوشته این است که: «من در نزد فرماندهان عالی رتبه روس‌ها خدمت می‌کردم.»

پس از برقرار شدن حاکمیت روسیه در گرجستان، میرزا آدی گوزل بیگ به عنوان شخصی خدمت‌گذار نزد ژنرال مایور لیسانویچ (Lisanovich) به خدمت ادامه داد.

طبق اسناد منتشر شده توسط «کمسیون نشر اسناد تاریخی قفقاز» ژنرال مایور لیسانویچ (Lisanovich) در اوت سال ۱۸۱۱ م رئیس نواحی پنبک و شوراگل بوده و کارها و فعالیت‌های فرمانده کل ارزروم را پی‌گیری می‌کرده است. او این مصادف با آغاز جنگ روسیه و عثمانی است.

محل وقوع عملیات جنگی بین روسیه و عثمانی عمدتاً در اطراف سواحل رود دونای (Dunoy) بود. اما با این حال ژنرال مایور لیسانویچ (Lisanovich) از ترس اینکه مبدا سپاهیان عثمانی به ماوراء قفقاز حمله‌ور شوند، تمام حرکات نیروهای مرزی آنان را تحت نظارت می‌گرفت.

زمانی که لیسانویچ، جاسوسان خود را به آن سوی مرزها می‌فرستاد، به یک مترجم آشنا به زبان عثمانی نیاز داشت و تنها میرزا آدی گوزل از عهده این کار برمی‌آمد. وی در شرح حال خود چنین می‌نویسد: «من تا سال ۱۸۱۱ م نزد ژنرال مایور لیسانویچ خدمت کردم و در همان سال به درجه پدپورویچیک (Podporuchik) - درجه افسر جزء - رسیدم. سرانجام در سال ۱۸۱۶ م. با موافقت سردار یرمولوف (Yermalov) برای خدمت پیش حاکم سابق قره‌باغ ژنرال مایور مهدی قلی رفتم...»

براساس ملاحظات فوق‌الذکر می‌توان گفت که همکاری میرزا آدی گوزل بیگ با ژنرال و مایور لیسانویچ از سال ۱۸۱۱ تا ۱۸۱۶ م. همچنان ادامه داشته است. میرزا آدی گوزل بیگ حدوداً پنج - شش سال در نواحی چون پنبک و شورا گل، با ژنرال مایور لیسانویچ همکاری کرده است. در این مدت پنج - شش ساله در مناطق مذکور، حوادث بسیار زیادی اتفاق افتاده که از نظر تاریخی، حائز اهمیت است.

در نتیجه حمله‌های مکرر نیروهای نظامی ایران به قفقاز، در زمان نخستین جنگ روسیه و ایران (۱۸۱۳ - ۱۸۰۵ م) اوضاع در این مناطق بسیار وخیم بود؛ اکثر اهالی توسط سپاهیان ایرانی به سوی جنوب رانده شده بودند و بقیه ساکنین نیز به علت اینکه این مناطق به میدان عملیات جنگی تبدیل شده بود، آنجا را ترک کرده بودند.

مقدمه‌ای توسط مورخ روسیه به نام و. ن. لویاتوف (Levyatov) بر کتاب قره‌باغ نامه نوشته شده است که این کتاب را تا حدود زیادی معرفی و مورد نقد قرار داده است. از آنجا که این مقدمه مشتمل بر اطلاعات قابل توجهی است که در تاریخ‌نگاری ایران به علت عدم دسترسی مورخان ایرانی به منابع روسی و قفقازی چندان هم مورد توجه قرار نگرفته، لذا آن مقدمه بدون هیچ‌گونه دخل و تصرفی ترجمه و تقدیم حضور خوانندگان گرامی می‌شود. امیدوارم مورد پسند خوانندگان قرار گیرد.

کتاب قره‌باغ نامه میرزا آدی گوزل بیگ به تاریخ سیاسی منطقه قره‌باغ در سال‌های ۱۸۲۸ - ۱۷۳۶ میلادی مربوط می‌باشد. همانطور که می‌دانیم طی این سال‌ها اتفاقات زیادی در این منطقه حساس به وقوع پیوسته است. طبق منابع و شواهد، منطقه قره‌باغ تا سال ۱۷۴۷ میلادی، یعنی تا مرگ نادرشاه از جمله مناطق تابع دولت ایران بوده ولیکن پس از مرگ نادرشاه در اندک زمانی، هرج و مرج سراسر ایران را فرا گرفت و جنگ‌های خونین بسیار میان آن

مؤلفان در این

سه منبع تاریخی،

عمدتاً به تشریح

جغرافیای تاریخی

قره‌باغ، مردم‌شناسی

و حوادث مربوط به

اوضاع سیاسی

قره‌باغ و اطراف آن

پرداخته‌اند

نویسنده

کتاب «قره‌باغ نامه»

درباره شرح حال خود

چنین می‌نویسد:

زمانی که خبر

نزدیک شدن

نیروهای

اقامحمدخان

به قره‌باغ

پراکنده شد:

پدرش همراه با

خانواده و کوچ نشینان

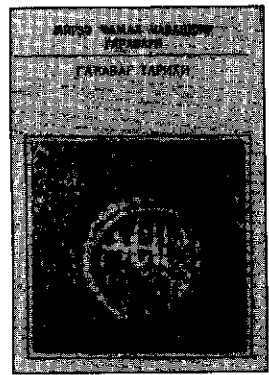
سواحل رود ارس،

قره‌باغ را

ترک کرده و به

گرجستان

قرار کردند



نوشته «میرزا جمال جوانشیر»
«تاریخ قهره‌باغ»

منطقه قهره‌باغ
تا سال ۱۷۴۷ م.
یعنی تا مرگ نادرشاه
از جمله مناطق تابع
دولت ایران بود،
ولیکن پس از
مرگ نادرشاه
در اندک زمانی،
هرج و مرج
سراسر ایران را
فراگرفت و
حاکمیت مرکزی
دست به دست شده
و روبه ضعف نهاد و
خوانین محلی از
اطاعت
از حاکمیت مرکزی
سریچی نمودند.
خوانین منطقه
قفقاز نیز،
در چنین شرایطی
از فرصت استفاده
کرده و از
اطاعت حاکمیت
مرکزی سرباز زدند.
این امر،
موجب به وجود آمدن
خان نشین‌های
متعددی
در این منطقه
گردید

دسته از قدرت‌هایی که در پی تصاحب تخت و تاج شاهنشاهی بودند، به پا شد و حاکمیت مرکزی دست به دست شده و رو به ضعف نهاد و خوانین محلی از اطاعت از حاکمیت مرکزی سربیزی نمودند.

خوانین منطقه قفقاز نیز، در چنین شرایطی، از فرصت استفاده کرده و از اطاعت حاکمیت مرکزی سر باز زدند. این امر موجب به وجود آمدن خان‌نشین‌های متعددی در این منطقه شد.

مرکز هر یک از این خان‌نشین‌ها، شهر بزرگی بوده است که چندین دهات را نیز تحت پوشش خود داشت. بین این روستاها و شهر مرکزی روابط اقتصادی نیز برقرار بوده است. به عنوان مثال، مرکز خان‌نشینی قوبه، شهر قوبه^۱ بوده که بیش از دویست روستا را نیز شامل می‌شده است. هم‌چنین مرکز خان‌نشینی یاکو، شهر یاکو بوده و سی روستای شبه جزیره آب‌شوران^۲ را نیز تحت نظارت خود داشت و نیز خان‌نشینی قهره‌باغ که مرکزش شهر شوشی بوده و بیش از ۲۴۸ روستا را تحت نفوذ خود داشته است. وضعیت خان‌نشین‌های دیگر قفقاز نیز به همین روال بوده است.

ریاست کلیه خان‌نشین‌ها را، نیرومندترین نمایندگان فتوالی بر عهده داشتند.

در کتاب قهره‌باغ نامه، به زندگانی سیاسی یکی از نمایندگان طایفه جوانشیریان یعنی پناه‌خان اشاره شده و چگونگی به قدرت رسیدن او در قهره‌باغ به صورت مفصل بیان شده است.

پناه خان برای اینکه طایفه جوانشیر و «سی و دو» طایفه دیگر که تابع جوانشیریان بودند را پیرو خود سازد، به مبارزات سخت با ملوک طوایف پرداخت. پناه خان نیز، چون همه حکام و فتودال‌های معمولی، برای خود قصرهای بزرگ و مجللی ساخت (مانند قصر بیات و شاه بلاغ) حکام مناطق اطراف قهره‌باغ سعی می‌کردند که پناه خان را تابع خود سازند ولی او در مقابل همه آنان ایستادگی می‌کرد.

پناه خان پس از به قدرت رسیدن، قلعه پناه‌آباد (قلعه شوشی) را نیز بنا نمود و در مقابل تهاجمات خوانین آذربایجان هم‌چون محمدحسن خان قاجار و فتحعلی خان افشار، مسلحانه ایستادگی کرد. بدین ترتیب، حاکمیت مستقل خود را در قهره‌باغ حفظ کرد و در عین حال سعی نمود اراضی تحت حاکمیت خود را به سوی جنوب غرب - نخجوان - و جنوب شرق - تبریز - وسعت ببخشد.

خوانین دیگر نیز سعی و تلاش می‌کردند تا اراضی تحت حاکمیت‌شان را وسعت داده و برشمار ساکنین آنجا بیافزایند. باین کار، هم از ساکنان این مناطق مالیات می‌گرفتند و هم از وجودشان بهره می‌بردند. بدین ترتیب با گسترش سرزمین‌ها و افزایش شمار ساکنین آن، بر قدرت اقتصادی و سیاسی خوانین نیز، افزوده شد. سیاست پناه‌خان و ابراهیم‌خان نیز، برخاسته از همین منافع یاد شده بود.

سیاست خارجی خوانین قفقاز نیز، براساس تضمین متقابل حفظ حاکمیت آنان در منطقه تعیین می‌شد. و این در حالی است که منطقه قفقاز دچار وضعیت پیچیده‌ای شده بود به این معنی که کشورهایی چون ایران، عثمانی و روسیه هر کدام سعی می‌کردند تا آن منطقه را به تصرف خود درآورند.

در چنین شرایطی خوانین قفقاز، به سوی کشوری متمایل می‌شدند که منافع صنفی آنان را تأمین کرده باشد.

پس از به قدرت رسیدن آقامحمدخان قاجار در سراسر ایران، به‌ویژه در آذربایجان (اوایل دهه نود قرن هجدهم میلادی) خوانین قهره‌باغ به طور جدی احساس خطر کردند، آنان به خوبی می‌دانستند که آقا محمدخان دیر یا زود به سراغ قفقاز هم خواهد رفت.

زمانی که آقامحمدخان در سال ۱۷۹۵ میلادی وارد قفقاز شد، ابراهیم خان قهره‌باغی انتظار داشت که دولت روسیه از او حمایت کند.

الحاق قفقاز به امپراتوری روسیه، شرایط خوبی را برای گسترش مناسبات اقتصادی و فرهنگی میان روسیه و ملل قفقاز فراهم ساخت.

میرزا آدی گوزل بیگ با اینکه در کتاب قهره‌باغ نامه صراحتاً به اهمیت الحاق قهره‌باغ و قفقاز به امپراتوری روسیه اشاره نکرده، ولی نگرش مثبت وی نسبت به این مسأله در متن کتاب به وضوح مشاهده می‌شود.

دولت ایران با دریافت وام‌هایی نقدی، اسلحه و فراگیری تعلیمات نظامی از کشورهای غربی مانند فرانسه و انگلستان دوبار با تمام نیرو به مناطق قفقاز حمله برد تا آنجا را از روسیه بازپس گیرد ولی در هر دو جنگ (۱۸۱۳ - ۱۸۰۵ و ۱۸۲۸ - ۱۸۲۶ م) با شکست مواجه شد. براساس عهدنامه گلستان (۱۸۱۳ م) و ترکمنچای (۱۸۲۸ م)، دولت ایران ناچار شد از حقوق خود به منطقه قفقاز دست بکشد.

میرزا آدی گوزل بیگ، کتاب قهره‌باغ‌نامه را با شرح عهدنامه ترکمنچای به پایان می‌برد و به حوادث بعدی که منجر به تشدید استبداد تزاری در قفقاز می‌شود، نمی‌پردازد. مؤلف کتاب قهره‌باغ نامه، شخصیتی مجرب و عالم است. به این معنی که کلیه حوادثی که در اوایل قرن نوزدهم اتفاق افتاده مانند جنگ‌های روسیه - ایران و روسیه - عثمانی را بازگو کرده است. چنین به نظر می‌رسد که روند و نتایج این جنگ‌ها در شکل‌گیری شخصیت وی تأثیرگذار بوده است. میرزا آدی گوزل بیگ تمام این حوادث تاریخی را عیناً مشاهده و نسبت به آن حوادث، تأمل می‌نمود. سرانجام با انبوه تجارب شخصی خود به این نتیجه رسید که باید به طیف طرفداران روسیه ملحق شود. ما در هیچ جای کتاب به نکته‌ای که دال، به عدول مؤلف از این خط و مشی باشد بر نمی‌خوریم.

به هنگام جنگ روسیه و ایران (۱۸۲۸ - ۱۸۲۶ میلادی) تعداد قابل ملاحظه‌ای از بیگ‌های قفقاز به قصد دستیابی به موقعیت‌های بهتر، خود را به خوانین محلی که امیدوار به حمایت ایران در جهت حفظ حاکمیت بودند، نزدیک می‌ساختند. میرزا آدی گوزل بیگ از جمله کسانی بود که در نگرش خود مبتنی به طرفداری از روسیه، پابرجا ماند و حتی در بعضی مواقع، خطر مرگ را پذیرا شد.

پایداری میرزا آدی گوزل بیگ در این راه، می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد، از جمله حوادثی که در زمان کودکی وی اتفاق افتاده و تأثیر عمیقی در شکل‌گیری شخصیت او داشته، یورش آقا محمدخان قاجار به قفقاز و مشاهده عینی حوادثی بوده که به وقوع پیوسته است. در نتیجه همین یورش‌ها بود

مؤلف کتاب تاریخ قره‌باغ، یعنی میرزا جمال جوانشیر قره‌باغی (۱۸۵۳-۱۷۷۳ م.)، وزیر ابراهیم خان بوده و در کلیه امور داخلی و خارجی خان نشینی دخالت داشته است. وی حتی پس از اینکه منطقه قره‌باغ تحت حمایت روسیه تزاری درآمد، همچنان در نزد مهدی قلی خان در سمت قبلی خود باقی ماند.

مؤلف کتاب «تاریخ قره‌باغ»، یعنی «میرزا جمال جوانشیر قره‌باغی»، وزیر ابراهیم خان بوده و در کلیه امور داخلی و خارجی خان نشینی دخالت داشته است. وی حتی پس از اینکه منطقه قره‌باغ تحت حمایت روسیه تزاری درآمد، همچنان در نزد مهدی قلی خان در سمت قبلی خود باقی ماند.

باتوجه به اینکه میرزا جمال جوانشیر هم دوران خان نشینی در قره‌باغ و هم حاکمیت روسیه تزاری را درک کرده و شغل شخصی وی نیز امکان مشاهده مستقیم حوادث را برای او فراهم ساخته بود، لذا اطلاعاتش در این مورد، بسیار ارزشمند است.

«میرزا آدی گوزل بیگ» اثر خود را به زبان ترکی آذربایجانی، «میرزا جوانشیر قره‌باغی» به زبان فارسی و «احمدبیگ جوانشیر» به زبان روسی نوشته است.

اگر اثر میرزا آدی گوزل بیگ را با دقت مطالعه کنیم، شاهد این امر خواهیم بود که مؤلف درباره سرنوشت پناه‌خان-نخستین خان قره‌باغ - با هیجان سخن گفته است. نگرش وی نسبت به پناه‌خان کاملاً مثبت بوده و او را به عنوان بنیانگذار خان نشینی در قره‌باغ و دولتمداری هوشیار و دلیر مجسم ساخته است. اگر چه مؤلف به جاه‌طلبی پناه‌خان نیز اشاره نموده، ولی چنان وانمود کرده است که گویا این مسأله برای تشکیل دولت مستقل قره‌باغ ضروری بوده است. از مضمون کتاب چنین برمی‌آید که مؤلف، پناه‌خان را به خاطر تشکیل دولت مستقل قره‌باغ تمجید و تحسین نموده و هر موفقیتی را که پناه‌خان در جهت وسعت بخشیدن به اراضی خود به دست آورده پذیرفته و استقبال نموده است. به گونه‌ای که جنگ و جدال وی با ملوک قره‌باغ نیز رنگ مشروعیت به خود گرفته است. میرزا آدی گوزل بیگ درباره تلاش‌های فتحعلی‌خان افشار در راستای سرکوبی پناه‌خان، مغرضانه سخن گفته و نسبت به پناه‌خان تعصب نشان داده است. به طوری که حاضر نیست مغلوب شدن پناه‌خان و تبعیت او از فتحعلی‌خان را بپذیرد.^{۱۳} مؤلف، این قسمت از تاریخ قره‌باغ را به صورت محدود بیان کرده است. گواه سخن اینکه وی درباره بزرگترین خان نیمه دوم قرن هجدهم در قفقاز، یعنی فتحعلی خان قبه‌ای، هیچ سخنی به میان نیاورده و حتی اسمی از وی نبرده است. در حالی که فتحعلی خان قبه‌ای از دشمنان طراز اول ابراهیم خان محسوب می‌شد و در دهه هشتاد قرن هجدهم برخوردهای جدی میان آن دو به وقوع پیوست.

میرزا آدی گوزل بیگ به کلیه فعالیت‌ها در جهت آماده‌سازی قلعه شوشی برای مقابله با قشون آقامحمدخان و همچنین حوادث حین جنگ اشاره کرده است. وی ضمن

که وی همراه خانواده مجبور به ترک زادگاه خود (قره‌باغ) شد. میرزا آدی گوزل بیگ، هنوز نوجوان بود که به خدمت ادارات نظامی و انضباطی روسیه درآمد. ارتباط نزدیک وی با صاحب منصبانی همچون ژنرال مایور لیسانویچ (Lisanovich) نیز در شکل‌گیری شخصیت وی نقش به‌سزایی داشته است. مسلماً کلیه مطالب یاد شده در کتاب قره‌باغ، نامه، منعکس گردیده است. مسأله‌ای که باید به آن توجه شود این است که این کتاب توسط شخصی نگاشته شده که خود به طبقه فتوالتی منسوب بوده و این امر در تفسیر حوادث تاریخی بی‌تأثیر نبوده است. لذا مطالعه کتاب «قره‌باغ نامه» دقت لازم و دید انتقادی را می‌طلبد. میرزا آدی گوزل بیگ ملزم بود که پس از اتمام نگارش کتاب قره‌باغ نامه آن را به کنیاز میخایل سمیونویچ وورونسوف (Mikhyil Semyonovich Voronsov) جانشین قره‌باغ - تقدیم نماید. بنابراین از منظر مقامات رسمی دولت روسیه به کلیه حوادث تاریخی نگریسته است. همچنانکه قبلاً هم متذکر شدیم، مؤلف، کتاب قره‌باغ‌نامه را با حادثه تاریخی مهمی چون تاج‌گذاری نادرشاه در مغان به سال ۱۷۳۶ میلادی آغاز کرده است. وی همانند اکثر مورخان شرقی، پایبند به روش‌های سنتی تاریخ‌نگاری بوده و غالباً نادرشاه را مدح و ستایش می‌کرده است. میرزا آدی گوزل بیگ تنها در یک جا حقیقت را درباره نادرشاه بیان کرده است. (منظور، اعتراض و مقاومت خوانین گنجه یعنی نسل زیاد اوغلوها است در مقابل مسأله انتخاب نادرشاه به عنوان شاه ایران). مطالبی که مؤلف درباره اقدامات نادرشاه علیه دشمن سیاسی خود یعنی نسل زیاد اوغلوها بیان نموده، بسیار ارزشمند است.

شرح این وقایع به شرح حال بزرگترین شاعر قرن هجدهم قفقاز یعنی ملاپناه واقف نیز پرداخته است.

هنگام یورش سال ۱۷۹۶ میلادی، فرمانده ارشد نیروهای روسیه، گراف و.آ. زوبوف (V.A. Zubov) همراه با سپاهیان خود در روستایی واقع در کناره رودهای کور و ارس اردو زده بود. وی از طریق پسر ابراهیم خان، ابوالفتح آقا، عصابی مرصع به سنگ‌های گرانقیمت برای ملاپناه واقف فرستاد. این گزارش ارزشمند جز در کتاب قره‌باغ نامه در هیچ کدام از منابع تاریخی ذکر نشده است. چنین به نظر می‌رسد که این هدیه از طرف ملکه و به پاس کوشش‌های وی در جهت سازماندهی خوب قلعه شوشی از نظر دفاعی و هم‌چنین تمایلات او به روسیه، به نزد او فرستاده شده بود.

میرزا آدی گوزل بیگ از این به بعد دیگر درباره ابراهیم خان و سرنوشت قاجعه‌آمیز او مطلبی ذکر نکرده است. طبق گزارشات رسمی (روسیه) ابراهیم خان مظنون به خیانت شده بود و چنین گفته شده که وی در سال ۱۸۰۶ میلادی و پس از کشته شدن کنیاز سیسیانوف به سپاه عباس میرزا پیوسته است.^{۱۲}

میرزا آدی گوزل بیگ نسبت به مهدی قلی خان هم نظر مثبتی نداشته، او را قادر به انجام کارهای بزرگ نمی‌داند. با این حال، از او به احترام یاد می‌کند. وی همچنین از عملکرد بیگ‌هایی که در جنگ‌های روسیه و ایران، طی سال‌های ۱۸۱۳ - ۱۸۰۵ و ۱۸۲۸ - ۱۸۲۶ میلادی از تبعیت روسیه خارج و به ایرانیان پیوسته بودند به بدی یاد می‌کند و مهدی قلی خان نیز که مناسبات خوبی با شخص مؤلف داشته، از این نظر مستثنی نمانده است. حتی با مطالعه قسمت‌های مربوط به شرح حال مؤلف معلوم می‌گردد که مهدی قلی خان قره‌باغی توسط خود میرزا آدی گوزل بیگ از ایران به قره‌باغ فرا خوانده شده است.

قره باغ نامه، ضمن بیان حوادث تاریخی قره‌باغ به بسیاری از رخداد‌های دیگر نقاط ماوراء قفقاز نیز پرداخته، بنابراین حوادث تاریخی مربوط به گرجستان و دیگر خان‌نشین‌های قفقاز هم در این کتاب منعکس شده است. مؤلف به وقایع مربوط به جنگ‌های قبیله‌ای که در زمان حمله اراکل دوم از سال ۱۷۱۵ م. به گنجه در خان‌نشین‌های گنجه، قره‌باغ، شکی^{۱۳} و غیره اتفاق افتاد، رنگ حماسی می‌دهد.

اطلاعات میرزا آدی گوزل بیگ راجع به وضعیت اراکل دوم هنگام دفاع در مقابل قشون آقامحمدخان بسیار ارزشمند است. مؤلف درباره اختلافات داخلی خاندان پادشاه گرجستان که موجب کم توجهی آنان نسبت به دفاع از شهر تفلیس شد، اطلاعات خوبی را در اختیار خواننده قرار می‌دهد. وی همچنین مطالبی درباره علت درخواست تبعیت روسی گرگین خان دوازدهم ارائه می‌دهد.

میرزا آدی گوزل بیگ در کتاب خود پسران داریا گیورگوا (Darya Giorgeva) - همسر دوم اراکل دوم - را به خاطر عصیان علیه حاکمان دست نشانده دولت روسیه متهم به خیانت می‌کند. به گمان وی این عصیان به وسیله ایران و یا عثمانی طراحی شده، این شاهزادگان و همچنین مادرشان داریا گیورگوا به خاطر منافع شخصی خود به این عمل دست

زده و هیچ وقت قادر به اداره دولت نبوده‌اند. بنابراین تبعید آنان به روسیه توسط حکام تزاری را رفتاری درست ارزیابی می‌کند.

میرزا آدی گوزل بیگ همچنین اطلاعات ارزشمندی را درباره حمله روسیه به خان‌نشین گنجه و حوادث حین جنگ در اختیار ما قرار می‌دهد. از مضمون کتاب چنین بر می‌آید که مؤلف، جواد خان را به خاطر تسلیم نشدن در مقابل روسیه مقصر دانسته و کشته شدن او را به هیچ وجه نمی‌ستاید و حتی او را مقصر تمام تلفات می‌داند. مؤلف کلیه تعبیرات مقامات رسمی وقت را در مورد این حوادث رعایت کرده است. وی به عنوان یک افسر نظامی روسیه مجبور به داشتن چنین تعبیراتی از حوادث زنان خود بوده است. با این حال نظر شخصی مؤلف در متن کتاب نیز مشاهده می‌شود.

برخی از مورخان بورژوازی و درباری روسیه سعی در برائت حسین قلی خان باکوئی بی‌خبر جلوه دادن او از قتل کنیاز سیسیانوف داشتند. آنان (مورخان تزاری) به روایات پیشینیان خود استناد کرده، می‌گویند: قتل سیسیانوف بدون اطلاع حسین قلی خان و توسط نمایندگان متنفذ دولت ایران در دربار خان نشینی باکو انجام پذیرفته است.^{۱۴}

طرفداران دولت ایران با کشتادن حسین قلی خان به پیروی از خط مشی و سیاست‌های خود، کنیاز سیسیانوف را به قتل رسانیدند و قصد اصلی آنان از این کار، لطمه زدن به کارهای دولت روسیه در ماوراء قفقاز و زمینه‌سازی برای نفوذ ایران در این منطقه و همچنین جلوگیری از سیاست‌های سازشکارانه حسین قلی خان با روسیه بود. از آنجایی که در منابع و مآخذ این دوره از تاریخ، مطالب کافی در مورد شرح حال حسین قلی خان باکوئی و افکار و مقاصد او وجود ندارد، روشن کردن این مسأله کمی مشکل می‌نماید.^{۱۵} لذا گزارش‌های میرزا آدی گوزل بیگ در این مورد بسیار ارزشمند است. از جمله وی می‌نویسد:

حسین قلی خان نسبت به کنیاز سیسیانوف نظر مثبتی نداشت و مناسباتش هم با او صادقانه نبود. مؤلف به عنوان گواه ملاحظه خود مطالب ذیل را ذکر کرده است: پس از کشته شدن سیسیانوف سر وی پیش فتحعلی خان قاجار فرستاده شد و کوجه‌های شهر باکو مملو از سربازان ایران گشت. در سال‌های بعد بخصوص در زمان جنگ روسیه و ایران (۱۸۲۶ م) حسین قلی خان یکی از سرسخت‌ترین طرفداران دولت ایران گشت.

میرزا آدی گوزل بیگ قسمتهایی از کتاب قره‌باغ نامه را به مسئله نگرش توده مردم نسبت به دولت ایران اختصاص داده است. من جمله نوشته است که پس از شکست عباس میرزا در جنگ با خان نشینی گنجه، یرمولوف (Yermolov)، چنین گفته است: «گمان نمی‌کنم که عباس میرزا پس از این شکست بار دیگر جرأت پیدا کند که در قره‌باغ به جنگ بپردازد؛ چون به نظر من اهالی این سامان نه تنها او را ارتزاق نخواهند داد بلکه درصد آن خواهند بود که آنان را از بین ببرند و این موجب وحشت‌زدگی و بی‌نظمی بیش از پیش جنگجویان خواهد شد.^{۱۶}

میرزا آدی گوزل بیگ در کتاب قره‌باغ نامه، به خیانت برخی از بیگ‌هایی که در صفوف سپاهیان روسیه می‌جنگیدند

کتاب

«قره‌باغ نامه»

میرزا آدی گوزل بیگ

مربوط به

تاریخ سیاسی

منطقه قره‌باغ

در سالهای

۱۸۲۸-۱۷۳۶ م.

می باشد

«قره‌باغ نامه»،

توسط شخصی

نگاشته شده که

خود به

طبقه فئودالی

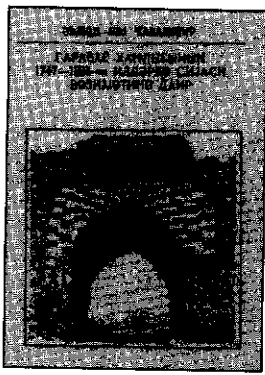
منسوب بوده و

این امر در تفسیر

حوادث تاریخی،

بی تأثیر

نبوده است



«تاریخ سیاسی قره‌باغ»
در سال‌های ۱۸۰۵-۱۷۴۷ م.
تألیف «احمد بیگ جوانشیر»

میرزا آدی گوزل بیگ
ملزم بود که
پس از اتمام
نگارش کتاب قره‌باغ
نامه آن را به
«کنیاز میخایل
سمیونویچ و
وورسنوف» -
جانشین قره‌باغ -
تقدیم نماید.
بنابراین
از منظر مقامات
رسمی دولت روسیه
به کلیه
حوادث تاریخی
نگریسته است

میرزا آدی گوزل بیگ،
کتاب قره‌باغ‌نامه را
با حادثه تاریخی
مهمی چون
تاج‌گذاری نادرشاه
در مغان به سال
۱۷۳۶ م.
آغاز کرده است

به پایان رسانده‌اند و با مطالعه دقیق کتاب قره‌باغ‌نامه، این مسئله کاملاً روشن می‌گردد.

لویاتوف (Levyatov) - مورخ روسی - به دلیل عدم آشنایی با متون این دو کتاب، اشتباه ای. پ. پتروشوسکی^{۳۳} و س. ا. آغایان^{۳۴} را تکرار نموده است. حتی اگر چنین فرضیه‌ای پذیرفته شود احتمال اینکه میرزا جمال برای تألیف کتاب تاریخ قره‌باغ از مطالب مندرج در قره‌باغ‌نامه استفاده نموده، به مراتب بیشتر از عکس این قضیه است.

چرا که وی کتاب خود را پس از میرزا آدی گوزل بیگ به پایان رسانیده است. ولی احتمال قوی‌تر این است که هر دو مؤلف کتاب‌های خود را به طور مستقل تألیف نموده‌اند.

ج: احمد بیگ جوانشیر و کتاب اوضاع سیاسی خوانین نشینی قره‌باغ در سال‌های ۱۸۰۵-۱۸۴۷ م.:

طبق گزارشات شخص احمدبیگ جوانشیر، وی در اواخر عمر خود شرح حالی از زندگانش نوشته و نزد دخترش، حمیده خانم باقی گذاشته است. ولیکن متأسفانه این نوشته‌ها را تاکنون نیافته‌اند نه در آرشیو شخصی میرزا جلیل محمدقلی‌زاده^{۳۵} و نه در میان آثار خود احمد بیگ جوانشیراند. این یادداشت‌ها به احتمال زیاد بعد از رفتن حمیده خانم به تفلیس و یا در سال‌های ۱۹۰۶-۱۹۰۵ م. زمانی که اوضاع سیاسی قره‌باغ بسیار وخیم بوده از بین رفته است.

فریدون بیگ کوچولی - یکی از گردآوردندگان آثار و نمونه‌های ادبی و تاریخی نویسندگان آذربایجانی - در مقدمه‌ای که بر کتاب آثار احمد بیگ جوانشیر^{۳۶} نگاشته، به خوانندگان وعده می‌دهد که در مورد شرح حال احمدبیگ جوانشیر مفصلاً بحث خواهد کرد ولی به دلایل نامعلوم این کار را انجام نداده است. با این حال، وی در مقایسه با دیگر نویسندگان اطلاعات نسبتاً دقیق‌تری در این مورد را در اختیار خوانندگان قرار داده است.

احمدبیگ جوانشیر، در دوم مارس سال ۱۸۲۸ در کبیرلی - یکی از نواحی شوشی^{۳۷} - در روستای کهرزلی چشم به جهان گشود. طبق اسناد و مدارک روسیه تزاری، روستای کهرزلی، ملک شخصی جعفرقلی بیگ پدر احمد بیگ جوانشیر محسوب می‌شده^{۳۸} و از پرداخت هرگونه مالیات معاف بوده است.

مهرعلی بیگ، پدربزرگ دوم احمدبیگ جوانشیر برادر تتی ابراهیم خان قره‌باغی بوده و یکی از سرسخت‌ترین رقبای خان قره‌باغ محسوب می‌شده است.

جعفرقلی خان نیز همانند دیگر بیگ‌های معمولی در ملک شخصی خود نشسته و آنجا را اداره می‌کرده، وی با زهرا خانم، دختر عموی اسدبیگ ازدواج کرده و نتیجه این ازدواج تولد احمدبیگ جوانشیر بود.

احمدبیگ جوانشیر، تحصیلات ابتدایی خود را در مدارس سنتی آن زمان گذراند. مهدی قلی خان قره‌باغی در سال ۱۸۴۳ م. از تزار نیکولای (Nikolay) اول، کتباً درخواست می‌نماید تا با ادامه تحصیل احمدبیگ در پترزبورگ موافقت کند و درخواست وی در همان سال پذیرفته می‌شود و بدین ترتیب امکان ادامه تحصیل (به هزینه دولت روسیه) در آموزشگاه نظامی پاولوف

نیز، اشاره کرده و این امر را دلیل شکست نیروهای روسیه در برخی از جنگ‌ها ارزیابی کرده است. وی سرنوشت سه گروه از چهل و دومین هنگ اگر (Eger). که از گوروش به شوشی راهسپار بودند را گواه ملاحظه دانسته است. این گروهان در نتیجه خیانت کاپیتان حاجی آقلاربیگ منهدم شد. حاجی آقلاربیگ پس از این حادثه به سپاه عباس میرزا ملحق شده و همراه با دسته‌های اکراد، گروهان منهدم شده را تعقیب و سرکوب نمود.

ب: میرزا جمال‌الدین جوانشیر و کتاب تاریخ قره‌باغ:

مؤلف کتاب تاریخ قره‌باغ یعنی میرزا جمال جوانشیر قره‌باغی (۱۸۵۳-۱۷۷۳ م)، وزیر ابراهیم خان بوده و در کلیه امور داخلی و خارجی خان نشینی دخالت داشته است. وی حتی پس از اینکه منطقه قره‌باغ تحت حمایت روسیه تزاری درآمد، همچنان در نزد مهدی قلی خان در سمت قبلی خود باقی ماند.^{۳۹}

پس از لغو خان‌نشینی در قره‌باغ، به مدت هجده سال در امور قضایی خدمت کرده و در سال ۱۸۴۰ م. به علت پیری، با درخواست شخصی خود از این کار کناره‌گیری نمود. آدولف برژه (Adolf Berzhe) در رابطه با شرح حال میرزا جمال جوانشیر چنین نوشته است:

«میرزا جمال غیر از زبانهای فارسی، عربی و عثمانی به زبان‌هایی چون آوار و لژگی^{۴۰} نیز آشنایی داشت. وی در زمینه تاریخ، جغرافیا و اخترشناسی (علم نجوم) اطلاعات خوبی داشته است و چون از علم طب هم با خبر بوده لذا پس از کناره‌گیری از امور قضایی، تا پایان عمرش مشغول معالجه رایگان در زادگاه خود شد. به خاطر همین مسأله بود که مردم نسبت به او احترام خاصی داشته‌اند.»^{۴۱}

میرزا جمال جوانشیر در سال ۱۸۵۳ م. در هشتاد سالگی دار فنا را وداع گفته است. باتوجه به اینکه وی هم دوران خان‌نشینی در قره‌باغ و هم حاکمیت روسیه تزاری را درک کرده و شغل شخصی وی نیز امکان مشاهده مستقیم حوادث را برای او فراهم ساخته بود، لذا اطلاعاتش در این مورد، بسیار ارزشمند است.

اثر میرزا جمال جوانشیر قره‌باغ با شرح و تفسیر وضع جغرافیای سیاسی قره‌باغ آغاز و سپس شجره‌نامه خوانین آن منطقه آورده شده است.

تاریخ قره‌باغ، به بررسی جنگ‌های ایران و روسیه و رخدادهای مربوط به این جنگ‌ها مانند اوضاع اجتماعی و سیاسی قره‌باغ می‌پردازد.

لازم به ذکر است که هم میرزا جمال و هم میرزا آدی گوزل بیگ، عمدتاً به بررسی دوره واحدی از تاریخ قره‌باغ پرداخته‌اند. کتاب‌های نام برده، خواه از نظر محتوا و خواه از نظر ترتیب‌بندی موضوعات بسیار شبیه به یکدیگرند. بنابراین ون. لویاتوف (Levyatov) - مورخ روسی - به اشتباه چنین فکر کرده که میرزا آدی گوزل بیگ از مطالب کتاب میرزا جمال استفاده کرده و کتاب قره‌باغ‌نامه را تألیف نموده و برای اثبات ملاحظاتی خود، هیچ مطلبی ارائه نکرده است. در حالی که میرزا آدی گوزل بیگ، قره‌باغ‌نامه را در سال ۱۸۴۵ م. و میرزا جمال، تاریخ قره‌باغ را در سال ۱۸۴۷ م.

اطلاعات میرزا آدی
گوزل بیگ
راجع به
وضعیت اراکل دوم
هنگام جنگ
در مقابل نیروی
آقامحمدخان بسیار
ارزشمند است.
مؤلف درباره
اختلافات داخلی
خاندان پادشاه
گرجستان که
موجب کم توجهی
آنان نسبت به
دفاع از شهر تفلیس
شد، اطلاعات خوبی
را در اختیار خواننده
قرار می دهد.
وی همچنین
مطالبی درباره
علت درخواست
تبعیت روسی
گرگین خان دوازدهم
ارائه می دهد

(Pavlov) را به دست می آورد. حال آن که در آن زمان تنها فرزندانش درباریان می توانستند در این مرکز آموزشی به تحصیل بپردازند.

احمدبیگ در طول اقامت در روسیه با زبان روسی کاملاً آشنا شده و در سال ۱۸۴۸ م. تحصیلات نظامی خود را به پایان می رساند. وی تا سال ۱۸۵۴ م. در مناطق مختلف قفقاز در سمت های گوناگون نظامی و ارتشی مشغول خدمت بوده ولی بعد از مدتی به خواست خود از خدمت نظامی کناره گیری کرد و علت کناره گیری وی از خدمت نظامی، جراحات های زیادی در بدنش بود. به طوری که گفته شده وی حتی در سال ۱۸۵۳ م. در جنگ کریم (Krim) نیز شرکت داشته است. احمدبیگ جوانشیر در سال ۱۸۵۴ م. به زادگاه خود (روستای کهرزلی) برگشته، و به کار کشاورزی پرداخت. هدف او راه اندازی اصول و روش های جدید کشاورزی در این روستای قدیمی بود لذا در میان مردم به «روس احمد» معروف شد.

با توجه به اینکه او تحصیلات خود را در پترزبورگ به پایان برده و با زبان روسی کاملاً آشنا بود، لذا بیشتر آثار شعرای روسی را مطالعه و گاهی هم آنها را به زبان مادری خود ترجمه می کرد. او همچنین در روستای کهرزلی یک کتابخانه غنی نیز تأسیس کرده بود.^{۳۳}

احمدبیگ جوانشیر کتاب معروف خود یعنی اوضاع سیاسی خوانین نشین قره باغ در سال های ۱۸۰۵-۱۸۴۷ م. را در سال ۱۸۸۳ نگاشته، این اثر تاریخی برای نخستین بار در سال ۱۸۸۴ م. در تفلیس^{۳۴} و سپس در سال ۱۹۰۱ م. در شوشی منتشر شده است.

تمام مورخان قفقازی آن زمان مانند یوسف نرسسوف (Nersesov)، رضا قلی بیگ میرزا جمال اوغلو، مهدی خزانی، حسن آغاخان قره داغی، حسن افندی القدری و دیگران از منابع پیشینیان استفاده می کرده اند. احمد بیگ جوانشیر نیز از این قاعده مستثنی نیست. خود احمدبیگ جوانشیر اعتراف می کند که من برای نگارش این رساله علمی، از نوشته های میرزا جمال، میرزا آدی گوزل، آخوند میرمهدی و همچنین از روایات مختلفی که راجع به طوایف و قبایل نقل می شده است، استفاده کرده ام. وی در پایان کتاب اسم ن. دوبروین (Dubrovin) - مؤلف کتاب ماورا، قفقاز از ۱۸۰۳ تا ۱۸۰۶ م. - را نیز ذکر کرده است. احمدبیگ جوانشیر برای تألیف کتاب خود از منابع متعدد روسی نیز استفاده کرد. علاوه بر این او صاحب کتابخانه ای غنی بوده و این مسئله امکانات لازم برای تاریخ نویسی توسط او را فراهم می ساخته است.

می توان به صراحت گفت که افکار مترقی جامعه روسیه در شکل گیری شخصیت احمدبیگ جوانشیر نقش به سزایی ایفا نموده و آثار مثبت آن در افکار او کاملاً مشهود است. و اما درباره محتوای کتاب باید گفت که، مؤلف به فعالیت های نادرشاه با نظر منفی نگریسته ولی از پناه خان، جانبداری نموده و فعالیت های سیاسی او را مثبت ارزیابی کرده و حتی در بعضی مواقع، او را با نسل چنگیز خان هم مقایسه نموده است.

اشتباهی که مؤلف مرتکب شده، این است که

می نویسد: گویا پناه خان، فرمان حاکمیت بر قره باغ را از شخص عادل شاه دریافت کرده در حالی که محمدصادق، تاریخ نویس رسمی و درباری سلسله زندیه در این مورد نوشته است: «پناه خان حتی اسماً هم شده باشد، حاکمیت سلسله زندیه بر قره باغ را نپذیرفته بود.»^{۳۵}

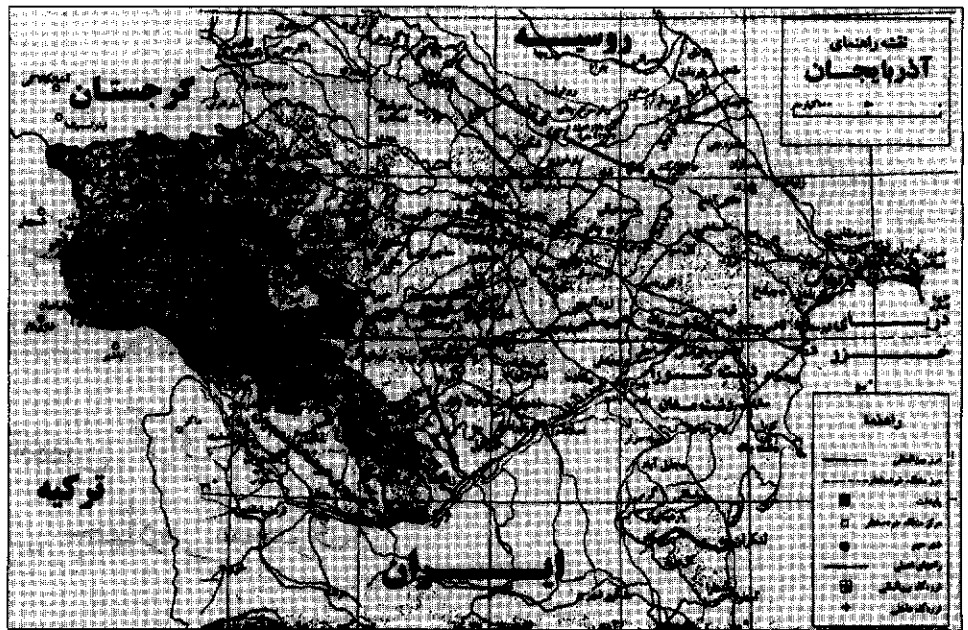
مؤلف از پدربزرگ خود مهرعلی بیگ به احترام یاد می کند. به گمان وی ریاست قره باغ به مهرعلی بیگ تعلق داشته و او می بایست در رأس حاکمیت قرار می گرفت و برای اثبات این امر یادآور می شود که نسل مهرعلی بیگ از زمره خانات بوده و تنها پس از به قدرت رسیدن پناه خان به زمره بیگ ها درآمده به همین جهت از امتیازات خانوادگی خود نیز محروم مانده است.

لازم به ذکر است که احمدبیگ جوانشیر، تنها کسی است که از وجود دو گروه مخالف در دربار ابراهیم خان، خبر داده. وی در این مورد اطلاعات نسبتاً خوبی را در اختیار خواننده قرار می دهد که تاکنون در دیگر منابع تاریخی یافت نشده، مؤلف، حمله آقامحمدخان قاجار به قره باغ را به صورت مفصل بیان کرده است. مطلب قابل توجه وی در این مورد این است که می گوید: محمدبیگ به تنهایی در قتل آقامحمدخان، نقش مهمی ایفا نموده است.

احمدبیگ جوانشیر در این کتاب، تاریخ قره باغ را تا سال ۱۸۰۵ م. یعنی تا زمان دیدار ابراهیم خان یاسیسیانوف در ساحل رود کرک چای بررسی کرده است. خان قره باغ در اثنای ملاقات سیسیانوف سوگند یاد کرده است که از این به بعد صادقانه در خدمت امپراتوری روسیه خواهد بود.

پی نوشت ها:

- کتاب دوم به زودی به کوشش پروفیسور ناظم آخونداف منتشر خواهد شد.
 - میرزا آدی گوزل بیگ: قره باغ نامه، مقدمه و اطلاعات مربوط به زندگانی میرزا آدی گوزل بیگ از و.ن. لویاتوف (V.N. Leviatov) می باشد. باکو ۱۹۵۰ میلادی.
 - میرزا جمال جوانشیر قره باغی: تاریخ قره باغ، ترجمه از فارسی به ترکی آذربایجانی، به کوشش ف. بابایوف (F. Babayov) باکو ۱۹۵۹
 - احمدبیگ جوانشیر: اوضاع سیاسی خان نشینی قره باغ در سال های ۱۸۰۵-۱۷۴۷ میلادی، اطلاعات مربوط به زندگانی احمدبیگ جوانشیر از روسی به ترکی ترجمه شده. به کوشش به شکرزاده (B. shekerzade) باکو ۱۹۶۱.
 - شماره های بازبایی نسخ خطی این منبع در انستیتوی نسخ خطی آکادمی علوم جمهوری آذربایجان عبارتند از: B-۶۳۱۲، B-۱۱۵۰، M-۸۷، B-۲۳۳۶، B-۲۳۸۲.
 - قوبه شهری است واقع در شمال شرق جمهوری آذربایجان کنونی و پشت کوه های قفقاز و چند کیلومتری شهر دربند روسیه.
 - شماخی یکی از عمده ترین شهرهای شیروانات است که در ۱۸۰ کیلومتری باکو قرار گرفته است.
 - هشترخان همان آستراخان کنونی است.
 - بزرگترین شهر قره باغ.
۸. Akti, sobranniye Kavkazskoy arkheogroi fitcheskoy komissiyey (AKAK). t-III, dok No۱. str.۴.



مطالبی که
میرزا آدی گوزل بیگ
درباره اقدامات
نادرشاه علیه
دشمن سپاسی خود
یعنی، نسل زیاد
او غلوه‌ها بیان نموده.
بسیار ارزشمند است

قره‌باغ نامه،
ضمن بیان
حوادث تاریخی
قره‌باغ

به بسیاری از
رخدادهای دیگر
نقاط ماورا قفقاز نیز
پرداخته،
بنابراین
حوادث تاریخی
مربوط به گرجستان
و دیگر
خان نشین‌های
قفقاز هم
در این کتاب
منعکس شده است

مجموعه اسناد گردآوری شده توسط کمیسیون آرخیو گرافیک
قفقاز، ج - ۳، سند شماره ۱، ص ۴.
۹. ژنرال - مایور، به معنی سرتیپ است. و نیز دیگر
اصطلاحات نظامی مانند: ژنرال لیتنانت به معنی سرلشکر، ژنرال
پولکونیک به معنی سپهبد است.
۱۰. دستورنامه شماره ۱۳۴، توسط ژنرال تورموسف
(Tormusov) در ۱۳ اگوست نوشته شده و به ژنرال - مایور
لیسانوویچ (Lisanovich) ارسال گردیده است: (کمیسیون نشر
اسناد تاریخی قفقاز، ج - ۳، سند شماره ۱۱۷۹، ص ۷۷۵، با سند
شماره ۱۱۸۰ در صفحه ۷۷۶ مقایسه شود).
۱۱. قوبه - شهری است واقع در شمال شرق جمهوری
آذربایجان (در چند کیلومتری در بند روسیه کنونی).
۱۲. آب شوران به نواحی اطراف شهر باکو و خودباکو اتلاق
می‌شود.
۱۳. عباس قلی آغاباکی خانوفه در «گلستان ارم» چنین
نوشته است: «پناه خان ظاهراً به او (فتحعلی خان افشار) اطاعت
نمود و پسر خود ابراهیم خلیل را به عنوان گروگان پیش او
فرستاد. رک: عباس قلی آغا باکی خانوف «گلستان ارم» باکو
۱۹۲۶، ص ۱۳۰.
۱۴. گزارش پودیولکونیک (Podpolkovnik = سرهنگ
دو) لیسانوویچ (Lisanovich) به ژنرال - مایور نسوتایف
(Nesvetayev) در چهارم سپتامبر ۱۸۰۶. (کمیسیون نشر
اسناد تاریخی قفقاز "AKAK" ج - ۳، سند شماره ۶۱۰ ص ۳۳۴).
۱۵. شکی (Sheki) شهری است واقع در شمال شرق
جمهوری آذربایجان و نزدیک به مرزهای روسیه، رک به نقشه
راهنمای جمهوری آذربایجان.
۱۶. به کوشش ژنرال - مایور پوتون (Potton)، استقرار
حاکمیت روسیه در قفقاز، تفلیس ۱۹۰۱، ج ۱، ص ۲۳۳-۲۳۱.
۱۷. عباس قلی آغاباکی نانوف در گلستان ارم چنین
می‌نویسد: «در هشتم فوریه ۱۸۰۶ در نزدیکی دروازه باکو فرمانده
کل (نیروهای روسیه) هنگام دیدار با حسین قلی خان توسط پسر
دایی خان باکو به قتل رسید بدون اینکه کسی انتظار آن را داشته
باشد.» باکو، ۱۹۲۶، ص ۱۵۵.
۱۸. گزارش ژنرال یرمولوف (Yermolov) به پادشاه

(نزاری) هفدهم سپتامبر ۱۸۲۶. (کمیسیون نشر اسناد تاریخی
قفقاز، ج - ۳ بخش دوم، سند شماره ۶۸۶ ص ۳۷۸).
۱۹. روزنامه «قفقاز» س ۱۸۵۵، ش ۶۱.
۲۰. «آوار» و «لزگی» دو گویشی هستند که برخی از
گروههای مردم داغستان بدان تکلم می‌کنند.
۲۱. روزنامه «قفقاز» س ۱۸۵۵، ش ۶۱.
۲۲-Petrushevskiy, Ocherki po istorii Feodalnikh
otnosheniy, str-۴۸. .i.P.
ای. پ. پتروشوسکی، رساله‌های تاریخی درباره مناسبات
فئودالی، ص ۴۸.
۲۳. س. آغایان، عباس قلی آغاباکی خانوف باکو ۱۹۴۸، ص
۸۹.
۲۴. حمیده: خانم دختر احمد بیگ جوانشیر در یکی از
سفرهای خود به تفلیس با میرزا جلیل محمدقلی‌زاده صاحب امتیاز
مجله مشهور فکاهی «ملانصرالدین» آشنا شده و پس از مدتی به
عقد او درآمده است. حمیدخانم در هشتم فوریه ۱۹۵۵ در شهر باکو
درگذشته است.
۲۵. فریدون بیگ کوچولی: آثار احمدبیگ جوانشیر، تفلیس
۱۹۰۶، ص ۸.
۲۶. شوشی شهر مرکزی منطقه قره‌باغ، رک. به نقشه
راهنمای جمهوری آذربایجان.
۲۷. «روستای کهریزلی ملک شخصی جعفرقلی بیگ
پسرمحمد بیگ می‌باشد و از کلیه مالیات و مکلفیت‌ها معاف
است.» رک: لیست مالیاتی منطقه قره‌باغ، در سال ۱۸۲۳. توسط
موگیلوسکی (Mogilavski) و پولکونیک یرمولوف
(Polkovnik Yermolov) ترتیب شده است، تفلیس ۱۸۶۶،
ص ۴۰.
۲۸. کریم (krim) یکی از شهرهای آکرین می‌باشد. (واقع
در ساحل دریای سیاه)
۲۹. خاطرات حمیده خانم، دفتر شماره ۵، برگ ۴۱، انستیتوی
نسخ خطی آکادمی علوم جمهوری آذربایجان، شماره ردیف ۱۷۴.
۳۰. روزنامه «قفقاز» س ۱۸۸۴، ش ۱۳۹.
۳۱. محمدصادق نامی، تاریخ گیتی گشا، تهران ۱۳۱۷ ه. ق.

کتاب ماه تاریخ و جغرافیا / مراد و شهرپور ماه ۱۳۸۱